

چالش بر "همسویی" دولت و مجلس

صبا آذر پیک

کابینه جدا شدند تا کابینه دولت همیشه ناتمام باشد. به گونه‌ای که تاکنون بیش از نیمی از کابینه عزل و نصب شده‌اند. همان نیمه دومی که مجلس موافق حضورشان بود و با سفارشات بهارستان راهی پاستور شده بودند.

در رای به غلامحسین الهام، وزیر دادگستری هم مجلس به سختی رایش را به جام عضو پنج شغله‌ی کابینه انداخت. این بار اصول‌گرایان به صراحت به احمدی‌نژاد هشدار دادند که نزدیکی برای صدارت‌ها گویا بر هر معیاری پیشی گرفته و مجلس بیش از این حاضر به تمکین نخواهد بود. این عدم تمکین را هم در رای به علی احمدی وزیر آموزش و پرورش نشان دادند. به گونه‌ای که تنها با اختلاف ۴ رای وزیر شد؛ رای که در راهروهای مجلس از آن تعبیر به رای ناپلئونی

گویا مجلس تصمیم داشت این مارائن عدم رای را همچنان ادامه دهد، به خاطر برخی سفارش‌ها، کوتاه آمد و وزیری همامانه را برای تصدی پول‌سازترین وزارتخانه کابینه پذیرفت. البته دلیل اختلاف‌ها روشن بود: مخالفان معترض بودند که رییس جمهور به سفارش‌های آنها برای انتخاب فرد مورد نظرشان برای تصدی این وزارتخانه کلیدی پاسخ منفی داده و به همین دلیل سه بار هم پاسخ منفی مجلس را شنیده است.

با این حال در همان دوره در میان نمایندگان این اظهارات شنیده می‌شد که رییس جمهور در همین رای گرفتن‌ها هم مجبور شده تا چند وزیر را به مجلس بدهد تا همراهی آنها را در رایزنی با نمایندگان داشته باشد. البته این سهم‌دهی هم، چندان دیری نپایید. چرا که احمدی‌نژاد چهار وزیری را که

پس از تکمیل پروسه یک‌دست شدن دولت و مجلس در تیر ۸۴ و تکیه محمود احمدی‌نژاد به کرسی ریاست جمهوری، بسیاری از سران اصول‌گرا تصور می‌کردند فرصتی استثنایی در اختیار جناح راست قرار گرفته تا بدون هیچ گونه مانعی، اهداف خود را با تکیه بر همراهی همسنگران مجلس آغاز کنند.

همراهی که حتی در روزهای نخست حیات دولت سبب شد تا نزدیکان سیاسی احمدی‌نژاد به وی اطمینان خاطر دهند که برگه‌های رای مثبت نمایندگان اصول‌گرا از همین الان در جام‌ها منتظر معرفی کابینه دولت‌نهم است. رییس کابینه هم به اطمینان نخستین مشاوره سیاسی مشاورانش قدم به صحن بهارستان گذاشت؛ با این امید که به سرعت فتح‌الفتح کرده و در همان ابتدا عنوان "نخستین" رییس جمهوری که به راحتی رای اعتماد برای کابینه‌اش گرفته را در کارنامه خود ثبت می‌کند.

اما مجلس هفتم با وجود صفوف یک‌پارچه‌ای که بزرگان اصول‌گرای بهارستان برای استقبال از کابینه فراهم کرده بودند، سنت شکنی کرد.

سنت شکنی که پیش از آن سابقه نداشت مجلس در دور اول شروع به کار روسای جمهوری گذشته به کابینه رای اعتماد ندهد؛ رفتاری که حتی مجلس پنجم هم با کابینه اصلاح طلب خانمی نکرد. زمزمه‌هایی که در راهروهای مجلس در شهرپور ۸۴ مینی بر این‌که اگر فارغ از ملاحظات سیاسی عمل می‌کردند، به نیمی از وزرای معرفی شده رای اعتماد نباید داد، به سرعت شکل جدی به خود گرفت؛ چهره‌هایی که افکار عمومی هنوز حضور آنها را در صف مشاوران و حامیان احمدی‌نژاد در انتخابات دو ماه قبل به یاد داشتند در برابر کابینه ایستادند و در لشکر یک دست مجلس شکاف‌هایی ایجاد کردند. در نهایت احمدی‌نژاد نخستین شکست سیاسی‌اش را در میان هم‌سنگران خود در بهارستان تجربه کرد: "رای منفی مجلس هفتم به چهار وزیر دولت‌نهم" جالب آن که میزان رای‌های منفی به وزرای نفت، تعاون، رفاه و آموزش و پرورش به میزانی بالا بود که مجالی برای بزرگان مجلس نگذاشت تا رای‌های منفی را به جناح اقلیت مجلس نسبت دهند.

البته مجلسی که قرار بود تا همراهی کند، باز هم در بدعتی دیگر دو وزیر پیشنهادی بعدی برای تصدی وزارت نفت را هم نپذیرفت؛ در حالی که اختلاف‌ها بالا گرفته بود و



می‌شد.

البته عزل و نصب‌ها تنها صحنه رویارویی مجلس و وزرای دولت نبود. استیضاح وزیر آموزش و پرورش و تلاش نافرجام برای استیضاح پورمحمدی و منوچهر منکی هم از جمله صحنه‌هایی بود که سبب شد تا دولت مجبور شود بارها رایزنی‌های فشرده‌ای را برای بحرانی نشدن وضعیت کابینه در مجلس انجام دهد.

البته در این میان نمی‌توان از تلاش‌های هیات رییس مجلس برای مسکوت گذاشتن سوال و استیضاح وزرا در مجلس یاد نکرد. تلاش‌هایی که گرچه اعتراض‌های مکرر

بعدا به مجلس معرفی کرده بود، یکی پس از دیگری عزل کرد. وزرای تعاون (محمدناظمی اردکانی)، رفاه و تامین اجتماعی (پرویز کاظمی)، صنایع و معادن (علیرضا طهماسبی) و نفت (کاظم وزیری همامانه) از سمت خود عزل شدند. عزل‌هایی که نمایندگان هر بار پس از شنیدن نام وزیر عزل شده، به کنایه عنوان می‌کردند یک سهم از مجلس در کابینه کم شد؛ چنانچه یکی از این چهره‌ها در مورد عزل یک وزیر تحمل نکرد و نامه سرگشاده به احمدی‌نژاد نوشت. با این وجود چهار وزیر جایگزین با وجود رای ضعیف به کابینه پیوستند. پس از آن وزیر صنایع و آموزش و پرورش هم از

دولت و مجلس باشد تا خدای ناکرده تنش ایجاد نشود: برخی از بازیگران اصول‌گرا سوءاستفاده کردند و به دولت آدرس غلط دادند که در مجلس هیچ مشکلی نیست و آنها مایشاء هستند و مجلس راست از هر لایحه اقتصادی دولت استقبال می‌کند. گرچه خوش‌چهره چراغ‌های سبز بازیگران ارشد سیاسی مجلس مانند هیات رییس را آدرس‌های اشتباه می‌خواند، اما هم اصول‌گرایان و هم هیات رییس به خوبی نشان دادند که چندان هم آدرس اشتباه به دولتی‌ها نداده‌اند و احمدی‌نژاد با خیال آسوده هر سال را با بودجه‌ای آغاز کرد که حتی سد مخالفان هم نتوانست چندان تغییری در آن ایجاد کند. البته جالب آن‌که حتی منتقدان دیروز دولت هم وقتی دیدند که نمی‌توانند در برابر موجی که خواستار اجرای تصمیمات اقتصادی دولت نهم است مقاومت کنند، به جای ایستادگی عنوان کردند که به این دلیل تغییرات چندانی در بودجه سوال برانگیز احمدی‌نژاد ایجاد نکرده‌اند که می‌خواهند سال آینده تنها دولت بماند و بودجه‌ای غیر واقعی که قابلیت اجرا ندارد. این جمله آن قدر از سوی مجلسی‌ها در توجیه سلب مسؤلیت‌شان عنوان شد که به تدریج حتی برخی از نمایندگان هم از آن به عنوان پاس‌کاری دولت و مجلس یاد کردند.

پاس دادن توپ شکست‌های اقتصادی به زمین مجلس

این زنجیره گرچه برای سومین بار در بودجه سال ۸۷ هم تکرار شد، اما مانع از آن نشد که اختلاف‌های دولت و مجلس در این بخش هم بروز نکند. البته در این مورد این احمدی‌نژاد بود که گوی انتقاد را از نمایندگان ربود. در شرایطی که مجلسی‌ها در یک صف منسجم پشت سیاست‌های اقتصادی دولت قرار داشتند، احمدی‌نژاد برای کاهش بار روانی اعتراض‌های مردم و افکار عمومی به گرانی‌ها در یک اقدام قابل پیش‌بینی نمایندگان را مقصر اصلی گرانی‌ها معرفی کرد. در سه مصاحبه مطبوعاتی متوالی، رییس‌جمهور حامیان در مجلس را متهم کرد که سیاست‌های اشتباه آنها سبب شده تا ملت با این میزان گرفتاری در باب گرانی و تورم روبه‌رو شوند.

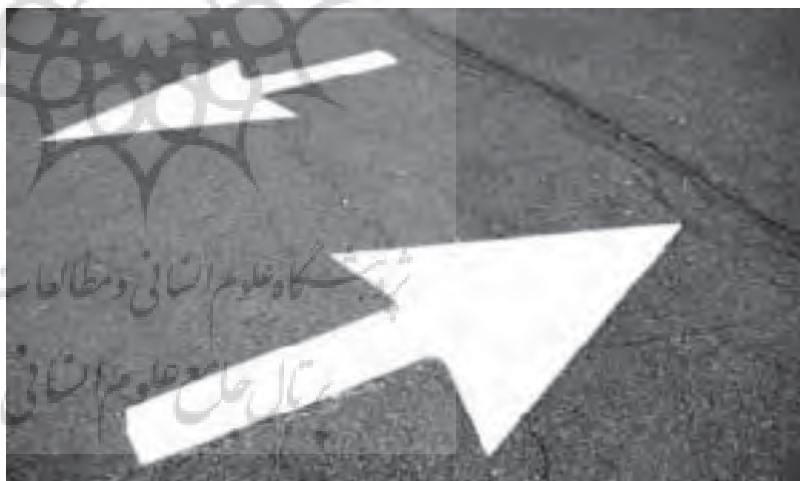
مجلسی‌ها که انتظار این شیوه سپاسگزاری از خوش‌خدمتی به سیاست‌های شکست‌خورده اقتصادی دولت نهم را نداشتند، تحمل نکرده و دی‌ماه ۸۵ جواب احمدی‌نژاد را در صحن علنی مجلس دادند. آن‌هم نه با محور مسایل کلان اقتصادی؛ برای مجلسی‌ها گرانی گوجه‌فرنگی هم کفایت می‌کرد تا به احمدی‌نژاد بفهمانند در هر لحظه می‌توانند کاخ فراافتنی‌های دولت را در هم شکنند. گرچه احمدی‌نژاد با شوخی و کنایه توانست آن روز را ختم به خیر کند، اما باب انتقادات در مجلس گشوده شد. اعتراض‌های مکرر نمایندگان در نطق‌ها و تذکره‌های کتبی و شفاهی نسبت به فراافتنی دولت در باب گرانی و پاس دادن توپ آن‌ها به زمین مجلس به موضوع تکراری جلسه‌های مجلس تبدیل شد.

مجلس هشدار می‌دادند که تن دادن مجلس به تمام خواسته‌های اقتصادی دولت بحران‌زا است؛ اما نمایندگان اصول‌گرا، همراهی تام در مسایل اقتصادی را سرلوحه‌ی کار داشتند و با وجود تمام مخالفت‌های چهره‌های اقتصادی مجلس زنجیره‌وار به بودجه‌های دولت رای می‌دادند. تن دادن مجلس به افزایش‌های چند برابری بودجه عمرانی و جاری بدون تغییر گرچه سبب شدن روزها افرادی مانند محمد خوش‌چهره زنگ‌خطرهای بهارستان را به صدا در آوردند که تصویب بودجه ساندویچی دولت "بدون هیچ تغییر و اصلاحی، کشور را با یک بحران جدی روبه‌رو می‌کند، اما در آن سوی میدان چهره‌های اقتصادی دیگری مانند احمد توکلی، الیاس نادران و هیات رییس تاکید داشتند که برای جلوگیری از بحران‌های اقتصادی در دولت باید به برنامه‌های اقتصادی احمدی‌نژاد تن داد. همین حمایت‌های بی‌شائبه مجلس با تصویب متمم پیاپی برای جبران کسری حقوق کارمندان، اختصاص ۲۲ درصد تا ۴۰ درصد از بودجه عمومی به شرکت‌های دولتی (حال آن‌که دولت باید کوچک‌سازی را در پیش می‌گرفت) و چند نوبت اجازه فروش اوراق مشارکت که تورم‌زا بود، همگی سبب شد تا دولت سال ۸۵ و ۸۶ را با برنامه‌هایی آغاز کند که از همان ابتدا بسیاری ناقوس شکست آن را به صدا درآورده بودند. حتی زمانی که درخواست متمم‌های بودجه برای جبران کسری بودجه جاری و پرداخت

نمایندگان را دربر داشت اما رکورد جالبی را هم در تاریخ مجلس برای خود ثبت کرد. بایگانی شدن بیش از ۱۷۰۰ سوال در کارنامه مجلس هفتم، خودگویای اختلافات عمیقی است که هیات رییس مجلس به آن مجال علنی شدن ندادند.

تمکین مجلس در برابر ضعف‌های اقتصادی دولت

با وجود چالش‌ها در رویارویی با وزرا، که بیشتر هم‌ریشه در ماجرای سهم‌خواهی‌ها داشت، مجلس هفتم برای اینکه به رقبای سیاسی خود ثابت کند که همچنان پشت دولت را خالی نمی‌کند، سازش را به عرصه اقتصادی کشاند. این حوزه از دو جنبه با ملاحظات بسیار نمایندگان مواجه بود. از یک سو دولت نهم بزرگترین ضعف‌های عملکردی خود را در بخش اقتصادی داشت و بر نمایندگان هم پوشیده نبود برای حمایت از دولت اصول‌گرای روی کار آمده چاره‌ای به جز تمکین و سازش را در این بخش نداشتند تا جبران مافات ضعف‌های دولت باشد. از سوی دیگر اصول‌گرایان مجلس بارها در یک سال پایانی دولت خاتمی، تندترین انتقادات را به سیاست‌های اقتصادی دولت اصلاحات داشتند و به همین دلیل در اصلی‌ترین راهبرد سیاسی خود دستور داشتند تا آن‌جا که در توان دارند از بار انتقادات اقتصادی به دولت نهم بکاهند تا مجبور به اذعان این امر نشوند که دولت حامی آنها



هم از ضعف‌های اقتصادی عدیدهای رنج می‌برد.

به همین دلیل است که منتقدان اقتصادی معتقدند که بخش قابل توجهی از سیاست‌های اقتصادی دولت پیامد تصمیم‌های مجلس اصول‌گرا است. به عبارتی اتخاذ تصمیم‌های کلانی مانند برداشته‌های مکرر از صندوق ذخیره ارزی، تامین کامل بودجه‌های جاری و عمرانی پیشنهادی، فروش اوراق مشارکت، کوتاه آمدن در برابر متمم‌های بودجه و در گام آخر سهمیه‌بندی بنزین همگی با داشتن مهر تایید مجلس، به یکی از چندگانه شکست‌های اقتصادی دولت نهم تبدیل شدند. البته در آن زمان برخی از چهره‌های اقتصادی

حقوق کارمندان به مجلس ارایه شد، گرچه افرادی مانند حسن سبحانی عضو کمیسیون بودجه با بیان اینکه این نوع کسری‌ها حکایت از بی‌انضباطی‌های مالی دولت دارد، عواقب منفی برداشت از صندوق ذخیره ارزی را به مجلسی‌ها گوشزد کرد و حتی به همکاران خود هشدار داد که مجلس حداقل یک بار کوتاه نیاید و اشتباه‌های دولت را جبران مافات نکند، اما مدافعان دولت قد علم کردند که مردم نباید جور اشتباه‌های اقتصادی دولت را بکشند. خوش‌چهره حتی گلایه را به آن‌جا کشاند که بعضی از بازیگران سیاسی در فراکسیون اصولگرایان تاکنون بازی را به نوعی هدایت کرده‌اند که صرفاً بده و بستانی بین